

■ سن کیفر و کاوش از چند زاویه

دفتر بررسی‌های حقوقی

مقدمه

زبان آمار زبانی بسیار گویاست. بیانگر واقعی است که گاه عبارات و جملات از بیان آن در می‌مانند و گاه نیز عمق تلخی واقعیت‌ها را نمی‌توان با هیچ جمله‌ای به مخاطب منتقل نمود مگر به مدد آمار و ارقام. هر چند ممکن است آمار واقعی بیشتر از آنچه ارائه می‌شود، باشد.

در دهه‌های اخیر جامعه جهانی با مشکل و معضلی به نام افزایش روزافزون تعداد بزهکاران خردسال، تشکیل باندهای تبهکاری کودکان، افزایش جرایم کودکان و... روبه‌رو است. گزارش‌ها، خبر از

گسترش خشونت و ارتکاب جرم می‌دهند و از آنجا که «کودکان امروز، شهروندان فردایند و توسعه آینده بشریت در گرو حمایت از آنان است»، بنابراین نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه دفاع از حقوق کودک فعالیت می‌نمایند و نیز خود دولت‌ها اذعان دارند که باید وضعیت کودکان در ارتکاب جرم مشخص شده و میزان مسئولیت کیفری آنان با توجه به سن کودکی تعیین گردد.

بر این اساس طبیعی است که دولت‌ها موظف شده و مسئولیت پیدا می‌کنند تا به طور جدی به مسئله جرایم کودکان پرداخته

طرح‌های اولیه

اختیار مطلق کودک هستند و وی تابع اراده و دستخوش مصلحت اندیشی‌های ایشان، کودک شخصیت مستقل ندارد و مبنای مسئولیت نیز مادی است نه اخلاقی.

۲- در حقوق روم

در روم به دلیل تفکر نوین ایجاد شده در جامعه و تأثیر نسبی آن بر حقوق کودک، از نظر اجتماعی میزان مسئولیت کودک و سن وی مورد توجه قرار گرفت و سه مقطع سنی برای مسئولیت‌پذیری کودک تعیین گردید:

الف- کمتر از ۷ سال که مسئولیت وی تنها از جنبه مدنی و جبران خسارت قابل طرح بود (فرق نمی‌کرد کودک دختر باشد یا پسر)؛

ب- بین ۷ تا ۹ سال برای دختر و ۷ تا ۱۰ سال برای پسر که در این مرحله غیر ممیز و غیر بالغ بود؛

ج- ۹ تا ۱۲ سال برای دختر و ۱۰ تا ۱۴ سال برای پسر که ممیز غیربالغ نامیده می‌شود و علاوه بر حق ازدواج دارای مسئولیت کیفری است.

به تعبیر بهتر، در این حقوق، کودکان از سن ۷ سالگی به بعد مسئولیت کیفری دارند و قبل از این سن، مسئولیت مدنی ایشان مطرح است.^۳

و با تعیین حداقل سن بزهکاری هم امنیت عمومی جامعه را تأمین نمایند و هم ضمن حمایت از حقوق کودک، در جهت اصلاح و تربیت وی تلاش نمایند.

در این مختصر ضمن تعریفی از سن مسئولیت کیفری، تحول تاریخی آن را از دوران باستان تا حال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«سن مسئولیت کیفری یعنی حداقل سنی که افراد پایین‌تر از آن سن، بنا به فرض، قدرت زیر پا گذاشتن قوانین کیفری را ندارند. به عبارت دیگر تعیین سنی که افراد پایین‌تر از آن سن بیش از حد خردسالند که مسئول اعمال خویش باشند و بنابراین کوچک‌تر از آنند که با جرایم کیفری مواجه شوند»^۱.

تاریخچه

۱- در ایام باستان

یکی از قدیمی‌ترین متون حقوقی مجموعه قوانین حمورابی است. به استناد این مجموعه: «اگر جراحی... فرزند شخص بزرگی را هلاک سازد، پسر همان جراح را به عوض باید به قتل رسانند» و اگر «بنایی ساختمانی می‌ساخت و این ساختمان خراب می‌شد و فرزند صاحب‌خانه زیرآوار می‌ماند، به جبران و برای قصاص، فرزند معمار مستحق مرگ بود»^۲.

بدیهی است این نوع برخورد متعلق به دورانی است که پدر و بزرگ قبیله صاحب

۱. پام لیزبت، ترجمه مطالب برگزیده از گزارش پیشرفت ملت‌ها، ۱۹۹۷ - ترجمه فریبرز مجیدی، ص ۴۶.

۲. صالح علی پاشا، «سرگذشت قانون»، سال: ۱۳۲۷، ص ۶۵.

۳. هوشنگ شامیانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، سال: ۱۳۷۳، چاپ: ویستار، ص ۳۵.



۳- در مذاهب

الف- یهود: در الواح مقدس ... کودکان بزهکار به بالغ و غیربالغ تقسیم و در صورت ارتکاب جرایم (سرقت و تجاوز به محصولات کشاورزی) به جبران خسارت، پرداخت تاوان و جریمه یا تنبیه بدنی محکوم می‌گردیدند.

غیر بالغ به کسی اطلاق می‌شد که قوه تمیز نداشت و تشخیص تمیز توسط نماینده قانون و به وسیله آزمایش جنسی به عمل می‌آمد.^۱

ب- مسیحیت: مهم‌ترین تغییر و تحولی که از تعلیمات مذاهب به ویژه مسیحیت و اسلام در این زمینه ایجاد شد، از میان رفتن مسئولیت مادی و مسئولیت کیفری از اعمال دیگران بود. همان طور که خداوند افراد را بر اساس عقل و شعور و اراده آنان در ارتکاب عمل مجازات می‌نماید، به همان ترتیب میزان مجازات جرایم ارتكابی نیز باید متناسب با درجه عقل و شعور و اراده مجرمان باشد و برای ارتکاب جرم تنها شخص مجرم مجازات شود.

علمای مسیحیت و ارباب کلیسا بر اساس دستورات و فرامین مذهبی مبتنی بر خورد با مجرمان به ویژه کودکان را رحم و مهربانی قرار داده و به حمایت از کودکان بی‌پناه و اصلاح و تربیت آنان همت گماشته و اقدامات تأمینی و تربیتی و سیستم انفرادی زندان برای هدایت ایشان را مطرح نمودند.

ج- اسلام: در خصوص امکان مجازات صغیر و تعیین سن مسئولیت کیفری و ارتباط بلوغ با مسئولیت کیفری دو سؤال اساسی قابل طرح است:

نخست این که آیا منظور از «حد بلوغ شرعی» همان سن تکلیف مورد نظر در سایر بخش‌های فقهی است یا بخش جزایی فقه از حیث سن مسئولیت با دیگر بخش‌های فقه اسلامی متفاوت است؟ سؤال دوم این که آیا در صورت عدم تفاوت بخش جزایی فقه با دیگر بخش‌های آن از حیث حد بلوغ شرعی آیا می‌توان در این زمینه اجتهاد و اظهار نظر جدیدی کرد و سن مسئولیت جزایی را به منظور هماهنگی با آنچه در نظام‌های عرفی حقوق جزا و معیارهای بین‌المللی آن مطرح است تغییر داد؟ پاسخ به این دو سؤال تحت دو عنوان «مسئولیت جزایی و حد بلوغ شرعی» و «اجتهاد و اظهار نظر جدید؛ امکان یا عدم امکان؟» مطرح می‌شود.

الف- مسئولیت جزایی و حد بلوغ شرعی: مسئولیت یک کیفیت نفسانی است که دارنده آن از نظر شرعی و قانونی قابل سرزنش و بازخواست و در صورت نقض نصوص یا قوانین جزایی قابل مجازات است. در این که افراد در چه سنی از چنین کیفیتی برخوردار می‌گردند اختلاف است. نظام‌های حقوق جزای عرفی با ملاحظه اوضاع و احوال گوناگونی که در رشد

طرح‌های اول

بر اساس آنها مبادرت به صدور فتویٰ نکرده است به ویژه در مورد روایت اول عبارت صاحب جواهر در این باره بسیار صریح است: «و لم نجد به عاملاً».

روایتی دیگر سن ۱۰ سال را مبنای مسئولیت جزایی می‌داند و به ویژه اطفال دارای چنین سنی را در صورت ارتکاب قتل قابل قصاص می‌داند: «يقتص من الصبي اذا بلغ عشرة». بنا به نوشته فقهای صاحب نام امامیه شیخ طوسی چنین روایتی را اساس فتوای فقهی خود در خصوص امکان قصاص افراد دارای سن ده سال قرار داده است. شیخ در نهایت و مبسوط و استیصار به مضمون این روایت عمل کرده است. اما مشهور فقهای امامیه از چنین روایتی نیز اعراض کرده‌اند. صاحب جواهر روایت مزبور را مقطوع و مرسل خوانده و درباره آن چنین نوشته است: «لم نظفر به مسندة كما اعترف به غير واحد من الأساطين نعم النصوص المسندة بجواز طلاقه و وصاياه و اقامة الحدود عليه موجودة و لعل من رواها اراد هذه النصوص با دخال القصاص في الحدود او أن مبني ما تضمنه على ثبوت البسوغ بذلك...»^۲. یعنی «همان‌گونه که تعدادی از بزرگان اهل فقه و فتویٰ تأیید

جسمانی و توسعه قوای عقلانی افراد دخالت دارند نظیر شرایط زیست‌شناختی و ویژگی‌های مربوط به محیط طبیعی و محیط اجتماعی پاسخ‌های متفاوت به این پرسش داده‌اند. آنچه بالجمله می‌توان گفت این است که بیشتر این نظام‌ها افراد زیر سن ۱۸ سال را فاقد مسئولیت جزایی به معنای اخص یعنی قابلیت تحمل مجازات‌های معمول برای افراد بزرگ سال دانسته‌اند. اسناد و ابزارهای بین‌المللی حمایت از حقوق اساسی افراد نظیر میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مصوب دسامبر ۱۹۶۶ و کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۲ نیز افراد زیر سن ۱۸ سال را طفل تلقی کرده و به ویژه اعمال برخی مجازات‌های سنگین را علیه این گونه افراد ممنوع شمرده‌اند.^۱

در حقوق جزای اسلامی وضع به گونه دیگری است. در مذهب امامیه روایات متعدد و متعارضی در تعیین سن مسئولیت جزایی نقل شده است. آن‌گونه که در برخی روایات آمده رسیدن افراد به سن هشت سال برای اقامه حدود بر آنان کافی است: «أذا بلغ الصبي ثمان سنين فجانزُ امرأة في مالٍ و قد وَجِبَ عليه الفرائض و الحدود». در یک روایت دیگر رسیدن طول قامت فرد به پنج و جب مبنای مسئولیت جزایی تلقی شده است: «أذا بلغ خمسة اشبار تقام عليه الحدود». با این حال این گونه روایات طرف توجه فقها واقع نشده ظاهراً هیچ فقیهی

۱. میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۳۴۵ بدون قید و شرط و کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۳، با قید عدم مغایرت با موازین اسلامی به تصویب قانون‌گذار ایران رسیده است.

۲. الشيخ محمد حسن النجفي، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ۴۲، ص ۱۷۸ به بعد.



کرده‌اند چنین روایتی را به صورت متصل و مسند نمی‌توان یافت. گرچه روایات ناظر به جواز طلاق و وصیت و اقامه حدود بر طفل ده ساله به صورت مسند موجودند. به همین خاطر شاید کسی که این روایت را نقل کرده قصاص را از شمار حدود می‌دانسته یا به گمان او مضمون چنین روایتی رسیدن به حد بلوغ شرعی در سن ده سالگی بوده است.^۱

برخی فتاوی فقهی در خصوص جرم ارتداد، «کودک ممیز در آستانه تکلیف» را مشمول تلقی کرده و در صورت ارتکاب ارتداد و عدم توبه وی را قابل اعدام دانسته‌اند. شیخ طوسی بر این اعتقاد بوده و محقق یزدی و شهید نیز آن را نزدیک به صواب شمرده‌اند. اما صاحب جواهر چنین اعتقادی را اجتهاد در برابر نص تلقی کرده است^۲ و البته نص مورد نظر وی پیش از هر چیز حدیث رفع است.

فتوای مشهور مذهب امامیه چنین روایات و اجتهاداتی را وقتی ننهاده و اساس مسئولیت جزایی افراد را رسیدن به حد بلوغ شرعی یعنی نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران دانسته است. علامه حلی در کتاب «تحریر الاحکام» در خصوص ارتکاب قتل از سوی اطفال و آثار جزایی آن می‌نویسد:

«الصَّبِيُّ كَالْمَجْنُونِ فِي سَقُوطِ الْقَوْدِ عَنْهُ وَ اِنْ تَعَمَّدَ الْقَتْلَ وَ عَمَدَهُ وَ خَطَاةً وَاحِدًا وَ تَوَخَّذَ الدِّيَةَ فِيهِمَا مِنْ عَاقِلَتِهِ... وَ الْاَقْرَبُ اَنْ

عَمَدَهُ خَطَاً مُحَضّاً يَلْزِمُ الْعَاقِلَةَ ارْشَ جَنَايَتِهِ حَتَّى يَبْلُغَ خَمْسَ عَشْرَ سَنَةً لَوْ كَانَ ذَكَرًا وَ تَسَعًا اِنْ كَانَ اُنْثَى...»^۳

یعنی: «طفل (در صورت ارتکاب قتل) از حیث سقوط قصاص هم‌چون مجنون است و گرچه عمداً مرتکب قتل شده باشد؛ عمد و خطای او مساوی است و در هر حال از عاقله او دیه دریافت می‌شود... فتوای نزدیک به صواب آن است که عمد کودک خطاست و موجب الزام عاقله به پرداخت دیه می‌شود و این تا زمانی است که اطفال ذکور به سن ۱۵ سالگی و اطفال اناث به سن ۹ سالگی برسند».

مشهور برای اثبات ادعا و تقویت فتوای خود به انعقاد اجماع قبل و بعد از ظهور خلاف استناد کرده است.^۴

گرچه فقهای امامیه غالباً به هنگام بیان شرایط اقامه حدود تنها به طرح قید «بلوغ» مرتکب اکتفا کرده‌اند، اما آنچه مسلم است این است که ملاک ۹ و ۱۵ سال که مورد نظر مشهور است در خصوص جرایم مستوجب حد نیز مطرح است. شهید ثانی در شرح لمعه به هنگام بیان شرایط اجرای حد زنا رسیدن به سن ۹ سال را برای اناث و اطلاق لفظ «مرأة» بر آنان و امکان اقامه حد کافی

۱. علی‌رضا فیض، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۹.

۲. الحسن بن یوسف بن علی بن السطهر الحلی، محریر الاحکام، مشهد، مؤسسه طوس للطباعة و النشر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳. آیت... محمد الحسینی الشیرازی، کتاب القصاص، تهران، بی‌تا، ص ۱۶۸.

طرح‌های اولیه

دانسته است.^۱

حاصل کلام این که تا آنجا که به مسئولیت جزایی افراد در قبال ارتکاب جرایم مشمول قصاص و حد مربوط می‌شود، از نظر مشهور فقهای امامیه ملاک همان سن ۹ و ۱۵ سال است و از این حیث میان فقه جزایی و سایر حوزه‌های فقهی تفاوتی نیست.

در عین حال یک نکته در خور تأمل این است که از نظر علامه حلی در خصوص جرایم مستوجب قصاص علاوه بر رسیدن به سنین مزبور، رشد مرتکب نیز برای امکان استیفای قصاص شرط است. علامه در ادامه بیانی که بیش از این از کتاب تحریر وی نقل شد می‌نویسد: «... به شرط الرشد فیهما». این نظر گرچه مبنای معقول دارد و مفهوم و معیار مسئولیت جزایی را با آنچه در نظام‌های عرفی حقوقی مطرح است دست کم در خصوص جرایم مستوجب قصاص نزدیک می‌سازد اما از سوی دیگران به شدت تخطئه شده است. شهید در شرح لعمه مبنای چنین فتوایی را غیر واضح خوانده است.^۲ صاحب جواهر نیز آن را فاقد وجه معتبر شمرده است. از نظر ایشان قید رشد مورد نظر علامه تنهادر صورتی قابل توجیه است که حمل بر کمال عقل و نفی جنون شود.^۳ در فقه مذاهب اربعه نیز سن مسئولیت جزایی مورد اختلاف است اما آنچه مسلم است این است که اگر قول مرجوحی که از ابوحنیفه نقل شده نادیده

گرفته شود در میان اهل سنت هیچ فتوای فقهی قائل به تأثیر جنسیت در مسئولیت جزایی و تفکیک میان ذکور و اناث از این حیث، وجود ندارد.^۴ بیشتر فقهای مذاهب اربعه سن مسئولیت را به طور کلی ۱۵ سال تمام دانسته‌اند. شخص ابوحنیفه و فتوای مشهور در مذهب مالکی رسیدن به سن ۱۸ سال را لازم دانسته است. نظر مقابل مشهور در مذهب مالکی قائل به ۱۹ سال است.^۵

مبنای اقسام فقهای مذاهب اربعه اجتهاداتی است که بر اساس حدیث معروف نبوی در خصوص رفع تکلیف از کودک و دیوانه و شخص در حال خواب، به عمل آمده است.

در عین حال باید دانست که اقوال و فتوای پیشین چه آنچه که از مذهب امامیه نقل شد و چه آنچه درباره مذاهب اربعه گفته شد همه به جرایم مشمول حد و قصاص و دیه و مسئولیت در برابر ارتکاب آنها مربوط می‌شود. در جرایم مستوجب تعزیر که بخش بزرگی از حقوق جزای اسلامی را تشکیل می‌دهد تمامی مذاهب در جواز تعزیر اطفال پیش از رسیدن به سن

۱. زین‌الدین العجیمی العاملی، الروضة البهیة فی شرح الملعة الدمشقیة، بیروت، مؤسسة الأعلمی، بی تا، ج ۹، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۶۶.

۳. الشیخ محمد حسن النجفی، پیشین، ج ۴۲، ص ۱۸۳.

۴. در یک نقل ضعیف از ابوحنیفه گفته شده که مشارالیه سن مسئولیت جزایی را برای مردان ۱۹ و برای زنان ۱۷ سال می‌دانسته است.

۵. عبدالقادر عوده، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت، مؤسسة الرسالہ، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۵۹۹ به بعد.

از آنجا که تعیین سن مسئولیت در مذاهب مزبور بیشتر مبتنی بر اجتهاد و اظهار نظر شخصی و استدلال‌های معقول بوده یا دلایل و نصوص منقول، نقد آرای پیشینیان آنان و طرح آرای معقول‌تر و موجه‌تر، کار چندان دشواری نیست. در میان اهل سنت نقد و نسخ اجماع‌های مبتنی بر مصلحت به سادگی امکان‌پذیر است. نقد آرا و فتاوی غیراجماعی جای خود دارد.

۴- در مکاتب

الف- مکتب کلاسیک^۱: به اعتقاد پیروان مکتب کلاسیک که از نظریه قرارداد اجتماعی پیروی می‌کردند، مبنای مسئولیت نقض قرارداد اجتماعی است. افرادی که میل خود مقررات جامعه را می‌پذیرند و نقض مقررات، اعلام دشمنی با جامعه است و جامعه حق مجازات آنها را دارد. اما در این اعمال مجازات باید دقت نماید که مجازات مجرم تناسب با درجه فهم و شعور او باشد. در نتیجه کودکان که درک و شعور کمتری دارند، به علت کمی سن در مجازات‌شان تخفیف داده می‌شود.

مهم‌ترین قانونی که افکار پیروان این مکتب را منعکس می‌نمود، قانون فرانسه

مسئولیت جزایی متفق‌القولند.^۱ تعزیر همچنان که می‌دانیم از حیث انتخاب نوع، میزان و کیفیت اجرا به اختیار حاکم یعنی قاضی رسیدگی کننده به جرایم بوده است.

ب- اجتهاد و اظهار نظر جدید؛ امکان یا عدم امکان: با توجه به آنچه که گذشت باید گفت که امکان پذیرش اجتهاد و اظهار نظر جدید در خصوص تغییر سن مسئولیت جزایی بسیار بعید به نظر می‌رسد. به ویژه در مذهب امامیه امکان درانداختن طرحی نو در این زمینه تقریباً منتفی است.

فتوای مشهور که بر فقه امامیه و نظام جزایی جمهوری اسلامی ایران سایه افکنده درستی خود را مستند به روایت و اجماع می‌دانند. بدیهی است که صدور فتوای معارض با مفاد روایات و اجتهاد و اظهار نظر مغایر با مودای اجماع از کسی پذیرفته نیست. در عین حال ممکن است فقهی مبسوط‌الید با نقد نظر مشهور و ایراد خدشه در مبادی و مبانی آن دیدگاهی نو در این باره عرضه کند و یکی از ناهماهنگی‌های آشکار نظام جزایی ایران را با مفاهیم و معیارهای بین‌المللی از میان بردارد و حربه را از دست مخالفان و معاندان بگیرد.

در میان اهل سنت حل مسئله چندان دشوار نیست چراکه اولاً، با اساساً میان سن مسئولیت جزایی مورد نظر آنان با آنچه در متون و اسناد بین‌المللی آمده فاصله‌ای نیست یا فاصله موجود، بسیار نیست. ثانیاً،

۱. همان.

۲. در تهیه این قسمت از منابع ذیل استفاده شده: عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۲۳، ص ۱۷۶-۱۷۸ و هوشنگ شبانینی، پژوهش‌های اطفال و نوجوانان، انتشارات وستر، ۱۳۷۳، ص ۲۹-۲۵.

طرح اصلاحی

قابل انعطاف، کار و فعالیت کودکان و آموزش علمی و حرفه‌ای می‌تواند از مؤثرترین شیوه‌ها در اصلاح و تربیت کودک بزهکار باشد.

ج- مکتب تحقیقی: پیروان این مکتب بر شناسایی علل بزهکاری و مبارزه با آن تأکید داشتند.

به نظر یکی از پایه‌گذاران این مکتب یعنی آنریکوفری:

«مجازات‌هایی که به این آسانی به وسیله قانونگذار وضع می‌شود و به وسیله قاضی مورد حکم قرار می‌گیرد و به وسیله زندانبانان به مورد اجرا گذاشته می‌شود، در ارتکاب جرائم و ازدیاد و نقصان آنها تأثیری ندارند، بلکه کوچک‌ترین پیشرفت در وسایل و اقدامات جلوگیری از ارتکاب جرائم، هزار بار بیش از تدوین یک دوره قوانین کیفری ارزش دارد.»

به نظر ایشان عوامل گوناگون در بزهکاری کودکان مؤثرند که از مهم‌ترین آنها می‌توان عوامل اجتماعی و فرهنگی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی و... را نام برد.

به عقیده پیروان این مکتب بهترین راه مبارزه با کودکان بزهکار و به‌طور کلی بزهکاری کودکان این است که باید علل و عوامل مؤثر در بزهکاری را شناسایی و در تعیین عکس‌العمل نسبت به بزه کودک به شخصیت واقعی کودک توجه نمود.

به‌ویژه رژیم جزائی ۱۸۱۰ این کشور است که سن کودکی را ۱۶ سال تعیین کرده بود و برای تشخیص ممیز یا غیر ممیز بودن کودک قبل از ۱۶ سالگی، دادرس دادگاه صالح بود.

کودک غیر ممیز از مجازات معاف بود و اگر تربیت وی در خانواده و کانون خانوادگی ممکن نبود، بنابه نظر دادگاه به دارالتأدیب یا مؤسسات تربیتی سپرده می‌شد و کودک ممیز نیز هر چند مسئول بود و مجازات می‌شد اما دادگاه مکلف بود وی را مشمول کیفیات مخففه قرار دهد.

نقایص سیستم جزائی ۱۸۱۰ فرانسه و انتقادات وارد بر آن که به‌طور عمده به عدم قابلیت اجرای آن چه از جنبه عملی (نبود دارالتأدیب و مؤسسات تربیتی) و نیز عدم انطباق با واقعیت‌های علمی (اعمال مجازات به عنوان تنها عامل پیشگیری از جرم) سبب گردید که مکتب جدیدی پا بگیرد به نام مکتب نئوکلاسیک.

ب- مکتب نئوکلاسیک: به نظر پیروان این مکتب در مورد کودکان بزهکار دو اصل را باید پذیرفت:

الف- صلاحیت و اختیار تام دادرس برای تعیین قوه تمیز

ب- تبیین سن معینی در قوانین جزایی برای عدم مسئولیت کیفری

به عقیده آنها تنبیه و مجازات باید با اصلاح و تربیت همراه باشد. زندان‌های مخصوص کودکان با سیستم‌های تربیتی



۵- سن مسئولیت کیفری از دیدگاه جرم‌شناسی

از نظر جرم‌شناسان^۱ انسان در زندگی ۴ مرحله را پشت سر می‌گذارد: کودکی، برنایی (نوجوانی و جوانی)، پختگی و پیری.

۱- به نظر ایشان کودکی از هنگام بارداری آغاز و تا بلوغ ادامه دارد.

۲- دوران بلوغ را نیز به سه مرحله تقسیم می‌کنند:

- آستانه بلوغ: که در دختران از ۱۱ تا ۱۲ سالگی است و در پسران ۱۳ تا ۱۴ سالگی است.

- بلوغ: در دختران ۱۳ سالگی و پسران ۱۵ سالگی ممکن است بلوغ حادث شود. علامت آن بروز قاعدگی در دختران و انزال اسپرماتوزوئید در پسران است.

- پس از بلوغ: که علامت آن افزایش وزن، فراخی سینه، شکستگی منش‌های جنسی است دوران برنایی برای دختران در سنین ۱۶ تا ۱۷ سالگی و برای پسران در ۱۸ سالگی پایان می‌یابد.

به نظر جرم‌شناسان که نظرشان بر پایه مطالعات آمار جنایی استوار است، آغاز بزهکاری در پرده ابهام است. تعیین سن آغاز بزهکاری دلخواهی است و هیچ‌گونه معیار علمی برای آن ارائه نشده. کودکان در سنین پایین‌تر اغلب اشیای متعلق به دیگران را تصاحب می‌کنند بدون این‌که به مفهوم حقوق کیفری مرتکب بزه سرقت شده باشند زیرا سرقت مستلزم نیت مزورانه

است. شعور و خودآگاهی که از ارکان مسئولیت کیفری است درجه آن در میان کودکان متغیر است. بعضی به سهولت می‌پذیرند که یک کودک در ۴ سالگی می‌تواند دزد خوانده شود و عده‌ای دیگر از ۷ سالگی یا سنین بالاتر. به هر حال در این سنین سرقت قابل کیفر نیست.^۲

به عقیده جرم‌شناسان کودکان به دلایل مختلف روانی، اجتماعی، اقتصادی و... مرتکب جرم می‌شوند اما آمار، تعداد جرائم جوانان را بیشتر نشان می‌دهد و این امر به دلیل پنهانکاری خانواده، عدم توجه جامعه به جرائم کودکان و... است. آمار سیاه جرائم کودکان در تمامی کشورها بسیار بالاست. اما نرخ تبهکاری معمولاً مربوط به سن ۱۳ سالگی (سن تمیز در اکثر کشورها) است.

۶- بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری - برای بررسی مورد نظر بهترین راه مراجعه به جدول صفحه بعد است^۱ دلیل این که اکثر کشورها سن ۷ سال را مرز تمیز می‌دانند این است که:

۱. نظر یناتل جرم‌شناس مشهور فرانسوی که در کتاب «جرم‌شناسی» وی منعکس شده است. به نقل از: مهدی کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۸۶ و ۳۲۸.

۲. در تهیه جدول از منابع ذیل استفاده شده: تاج زمان دانش، مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟ (مؤسسه کیهان، ۱۳۶۸)، ج دوم، ص ۱۰۳، لیزیت پام، ترجمه مطالب برگزیده از گزارش پیشرفت ملت، ۱۹۷۷، ترجمه فریبرز محمدی ص ۴۶.

شرح مجازات

سن عدم مسئولیت کیفری	نام کشور
۷	سوئیس، پرتغال، آمریکا، بنگلادش، مصر، ایرلند، اردن، لیختن اشتاین، میانمار، نیجریه، پاکستان، سودان، افریقای جنوبی، نایلد، نازانیا
۸	
۹	اسرائیل
۱۰	انگلستان - هلند
۱۱	
۱۲	یونان
۱۳	لهستان، فرانسه (مصوبه ۱۹۶۵) - تونس (قانون حمایت از کودک مصوب ۱۹۹۵) - اتریش، بلژیک، بکسلواکی، ایتالیا، آلمان، نروژ، یوگسلاوی
۱۴	

عمومی و قانون مجازات اسلامی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی) شویم.

در قانون مجازات عمومی ایران (مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۲) با الهام از قانون جزای عمومی فرانسه و تحت تأثیر مکتب کلاسیک و نیز شرع مقدس، کودکان به سه دسته تقسیم شده بودند:

الف - کودکان کمتر از ۱۲ سال، حکم صغیر غیرممیز دارند که از نظر جزائی نمی توان آنها را محکوم کرد (م ۳۴ ق.ج) و در صورتی که مرتکب جرمی شوند، باید به والدین یا الزام به تأدیب و تربیت در مواظبت در حسن اخلاق آنها تسلیم شوند.

«بچه‌ای که آنقدر بزرگ شده که بتواند به مدرسه برود، احتمالاً به این حد از پختگی رسیده که بتواند پیامدهای رفتار خود را تشخیص دهد».

از طرفی حقوقدانان و جرم‌شناسان^۱ عقیده دارند بلوغ زودرس و نیز هوش و ابتکار جوانان عصر ما سبب شده که بعضی از کودکان مرتکب جرایمی نظیر سرقت، ضرب و جرح و حتی قتل شوند. بنابراین به نظر می‌رسد باید حداقل سن مسئولیت کیفری را سن منطقی در نظر گرفت که هم منافع جامعه تأمین شود و هم از حقوق کودک حمایت لازم به عمل آید.

۷- سن مسئولیت کیفری در حقوق جزای ایران^۲

برای مطالعه سن مسئولیت کیفری در ایران باید قائل به تفکیک میان قانون مجازات

۱. از جمله کار و حقوقدان مشهور فرانسوی.

۲. با استفاده از منابع ذیل:

حقوق جزائی، عبدالحمین علی آبادی، ص ۱۹۵-۲۰۰ و پژوهش‌های اطفال و نوجوانان، مرشدک شامبانی، ص ۴۰-۵۰



بدین ترتیب که بین ۷ تا ۹ سالگی در دختر و ۷ تا ۱۵ سالگی در پسر، سن غفلت و بی‌خبری و حد شعور و لاشعور است و بعد از ۹ سالگی در دختر و ۱۵ سالگی در پسر سن اطلاع و آگاهی و تمیز می‌باشد.

به عقیده برخی از دانشمندان، به طور کلی برای تعیین سن کودک ممیز باید گفت که وقتی کودکی به سن ۷ سالگی می‌رسد در آستانه تشخیص و تمیز پا گذارده و هرچه بزرگ‌تر می‌شود، رشد و درک او از حقایق و وقایع اطرافش بیشتر می‌گردد.

به عبارت دیگر پسر از ۷ تا ۱۵ سالگی می‌تواند عنوان طفل ممیز را بر خود اطلاق نماید و برای دختر از ۷ تا ۹ سالگی می‌توان چنین اطلاقی را نمود.^۱

بدیهی است این نظر با توجه به دیدگاه‌های فقهی ارائه شده و ایراد وارد بر آن را می‌توان مقایسه آن با سن بلوغ شرعی و قدرت تشخیص معاملات دانست.

۸- سن مسئولیت کیفری در کنوانسیون حقوق کودک^۲

در این کنوانسیون که از بهترین

۱. سلهرفا فیض، سفارته و تطبیق در حقوق جزای صومالی اسلامی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۶۸، ص ۱۶۷.

۲. کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به ضمیمه قطعنامه شماره ۲۶/۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و مطابق مفاد بند اول ماده ۲۹ آن از تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد و ایران نیز در ۱۳۷۳ به این کنوانسیون ملحق شده است.

ب- کودکان بین ۱۲ تا ۱۵ سال (ممیز) که به موجب ماده ۳۵ در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت فقط به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

ج- کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال که به موجب ماده ۳۶ در صورت ارتکاب جرم به مجازات حبس در دارالتأدیب (در صورت ارتکاب جنایت) و مجازات حداقل نصف و حداکثر از نصف حداکثر مجازات (در مورد جنحه) خواهد رسید. (نصف مجازات اشخاص بزرگسال در جنحه)

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹ مقرر می‌دارد:

«اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسئولیت سزا هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.»

تبصره- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

در مقاله سن بلوغ به تفصیل در مورد سن بلوغ از نظر شرع و قانون ایران توضیح داده شد. (تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰) حال در اینجا یادآور می‌شود که حد تمیز و عدم تمیز را می‌توان بدین صورت مطرح نمود که:

به نظر می‌رسد که به عقیده قانون‌گذار، سرحد تمیز و عدم تمیز در دختر ۷ تا ۹ سالگی و در پسر ۷ تا ۱۵ سالگی باشد.

اعمال کرد.^۸

در پایان متذکر می‌گردد که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به این کنوانسیون ملحق شده است و در ارتباط با تضاد میان قانون داخلی و مفاد کنوانسیون هرچند الحاق با شرط صورت گرفته ولی از آنجا که شرط مغایر با هدف و روح کنوانسیون باطل است، باید کارشناسی شود که وضعیت حقوق جزای داخلی چگونه است و در ارتباط با جرایم کودکان سن بلوغ و مسئولیت کیفری کدام است؟ علاوه بر پیشنهاد و انجام پروژه‌ای در ارزیابی مقایسه‌ای کنوانسیون با مفاد حقوق جزا توسط کارشناسان فن، پیشنهاد می‌شود قوانین مصوب کشورهای دیگر به ویژه کشورهای اسلامی در این خصوص مطالعه گردد.

قانون حقوق کودک تونس (مصوب نوامبر ۱۹۹۵) الگوی قابل توجهی است. همچنین می‌توان به این نکته توجه نمود که با توجه به این که سنین مختلفی برای انجام امور مختلف در نظر گرفته شده از جمله: ۱۶ سالگی برای انتخابات، ۱۹ سالگی برای نظام وظیفه، ۱۸ سالگی برای تابعیت و... می‌توان در مورد سن مسئولیت کیفری نیز تقسیم‌بندی حقوق جزای اسلامی را مدنظر قرار داد.

□□□

کنوانسیون‌های حقوق بشری است، دو ماده به مسئله حمایت جزائی از کودک اختصاص یافته است. مفاد این دو ماده بیانگر این است که دولت‌ها باید نهایت تلاش خود را بنمایند تا حقوق کودک در سیستم جزائی آن کشور کاملاً تأمین شود.

در بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شده تا در زمینه انجام اقدامات لازم، «حداقل سن برای نقض قانون کیفری قائل شوند به نحوی که زیر این سن فاقد مسئولیت کیفری باشد» و هر چند پایان دوران کودکی به موجب ماده ۱ کنوانسیون، رسیدن به مرز ۱۸ سالگی است و منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است» برای احترام به قوانین کشورها قیدی آورده شده که «مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود».

همچنین در همین ماده (۴۰) قید شده که «در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری... سن کودک را در نظر گرفته و با در نظر گرفتن سن کودک باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد».

یادآور می‌شود کنوانسیون برای حمایت از حقوق کودکان در بند الف ماده ۳۷ مقرر نموده است که «مجازات اعدام یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال